



A BOLD NEW ERA

RUCKLEY • PITRE-DUROCHER • HERNANDEZ • GRIFFITH

TRANSFORMERS®

20 YEARS OF IDW
ISSUE
4
COVER A





> رابل



> بامبلی



> ویندبلید



> آیرون هاید



> ژئوموتوس



> اوریون
پکس



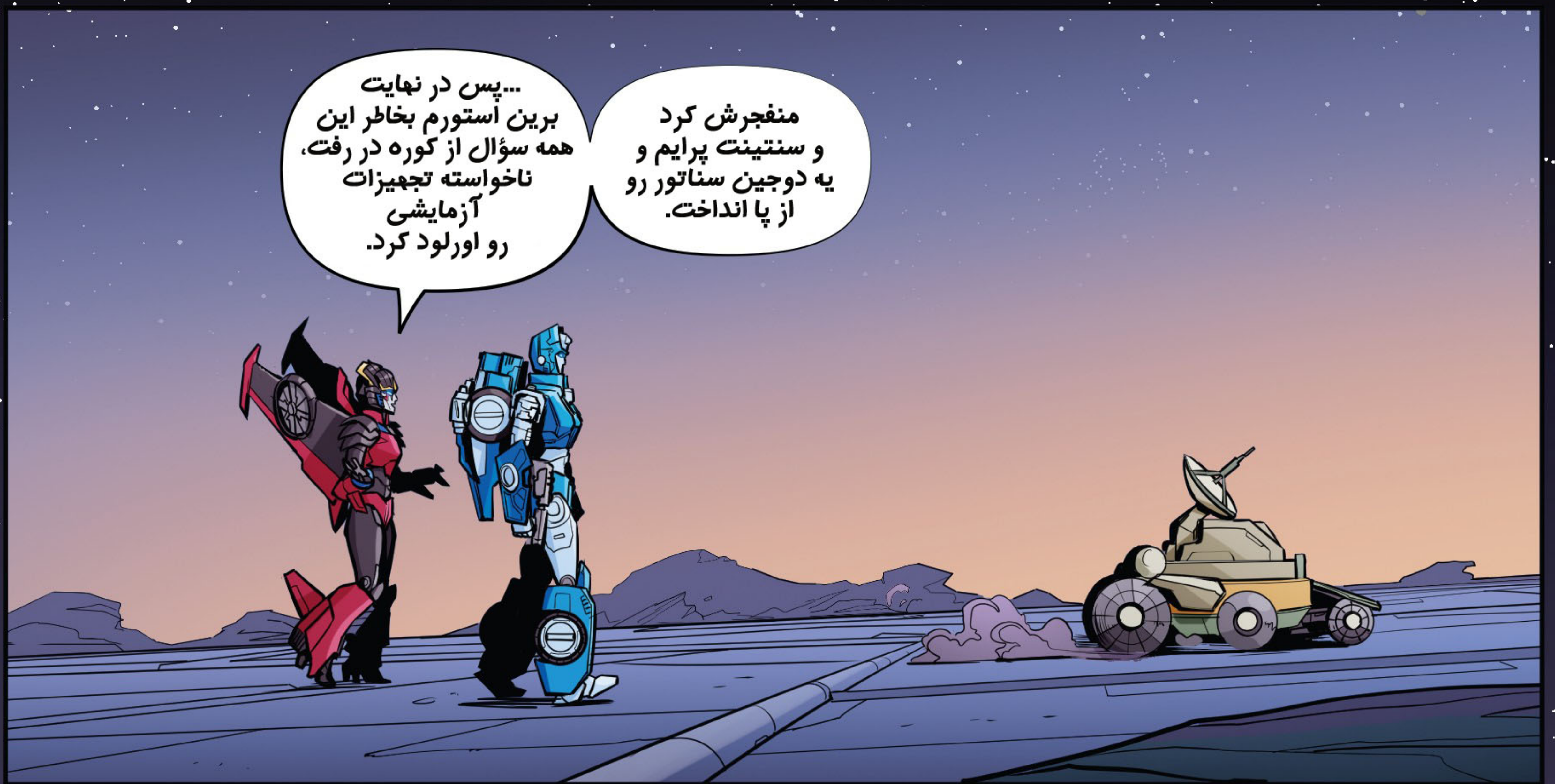
> کرومیا



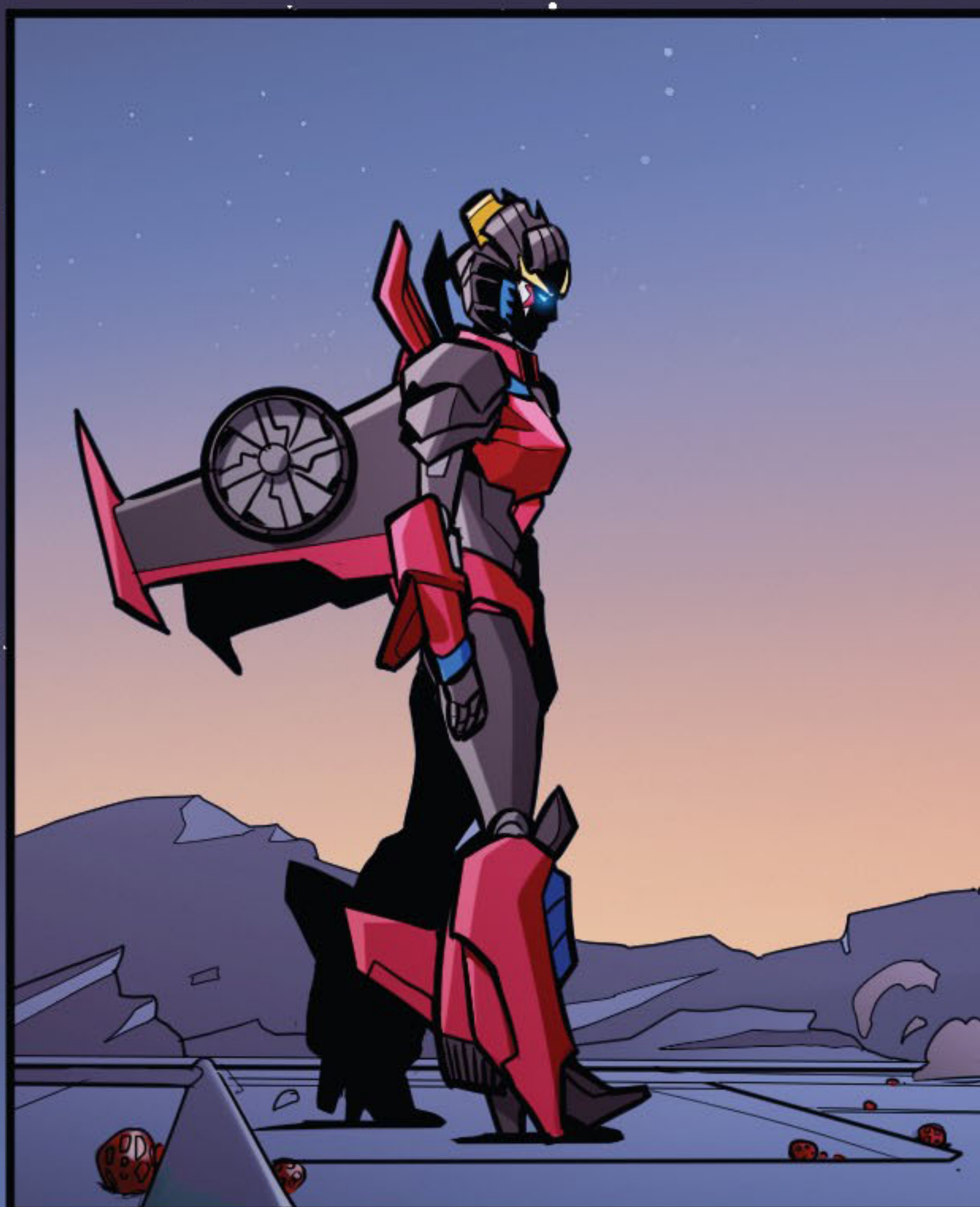
> مگاترون

منفجرش کرد
و سنتینت پرایم و
یه دوجین سناتور رو
از پا انداخت.

...پس در نهایت
برین استورم بخاطر این
همه سؤال از کوره در رفت،
ناخواسته تجهیزات
آزمایشی
رو اورلود کرد.



فکر کنم
داستان های
برین استورم
زیادی ندارم.



راستش خیلی
از ماها اینطور
نیستیم.

ولی حقش
یه پایان بهتر بود.
بهتره امیدوار باشیم
که این مسائل ما رو به
چیزی نزدیک تر
کنه.





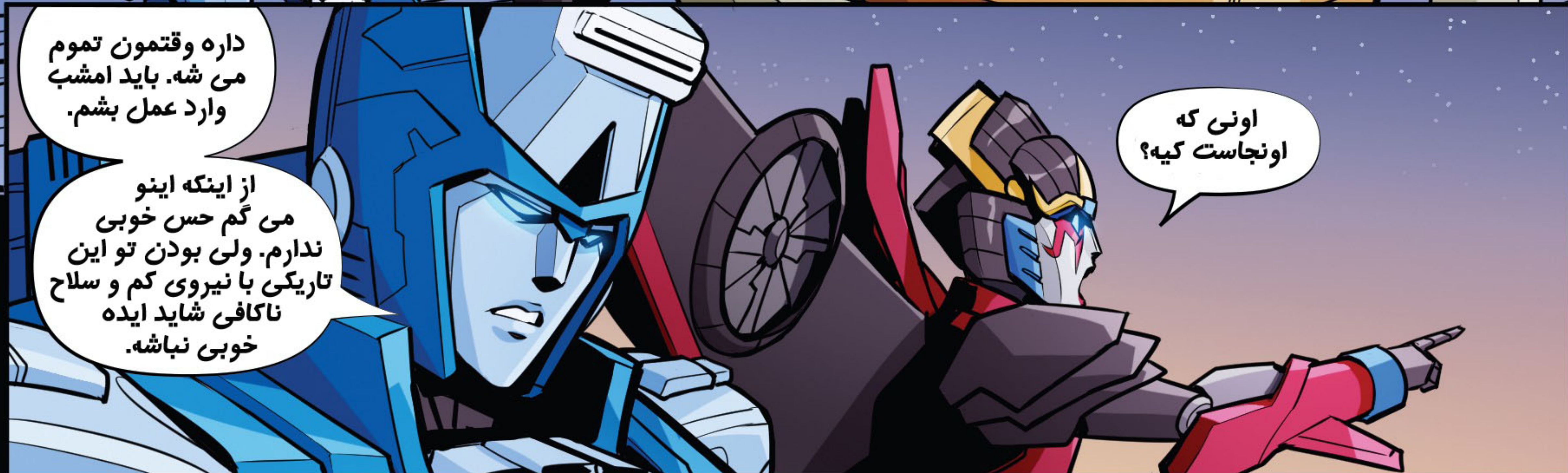
جایی
می ریم
ژئوموتوس؟

ماده برای مسیرها
مناسب نیست.

شاید لازمه تغییر
سطح طبیعی باشه.

الگوی نامتعارفی
از شکاف های ریز وجود
دارند.

یا اثریه وسیله
حقاری...یه تغییر
شکل اجباری.



داره وقتمون تموم
می شه. باید امشب
وارد عمل بشم.

از اینکه اینو
می گم حس خوبی
ندارم. ولی بودن تو این
تاریکی با نیروی کم و سلاح
ناکافی شاید ایده
خوبی نباشه.

اونی که
اونجاست کیه؟



سایکلونوس!

صبر کن!

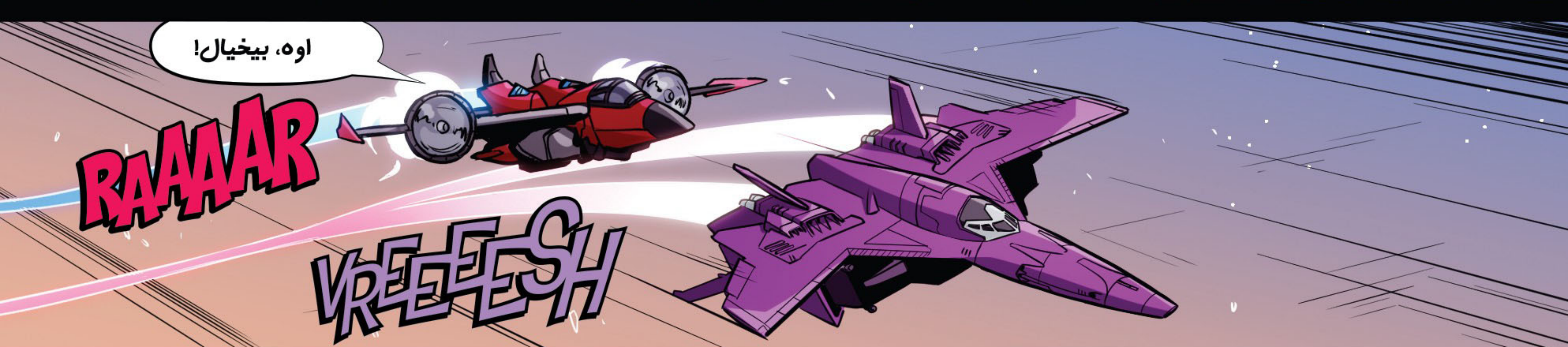


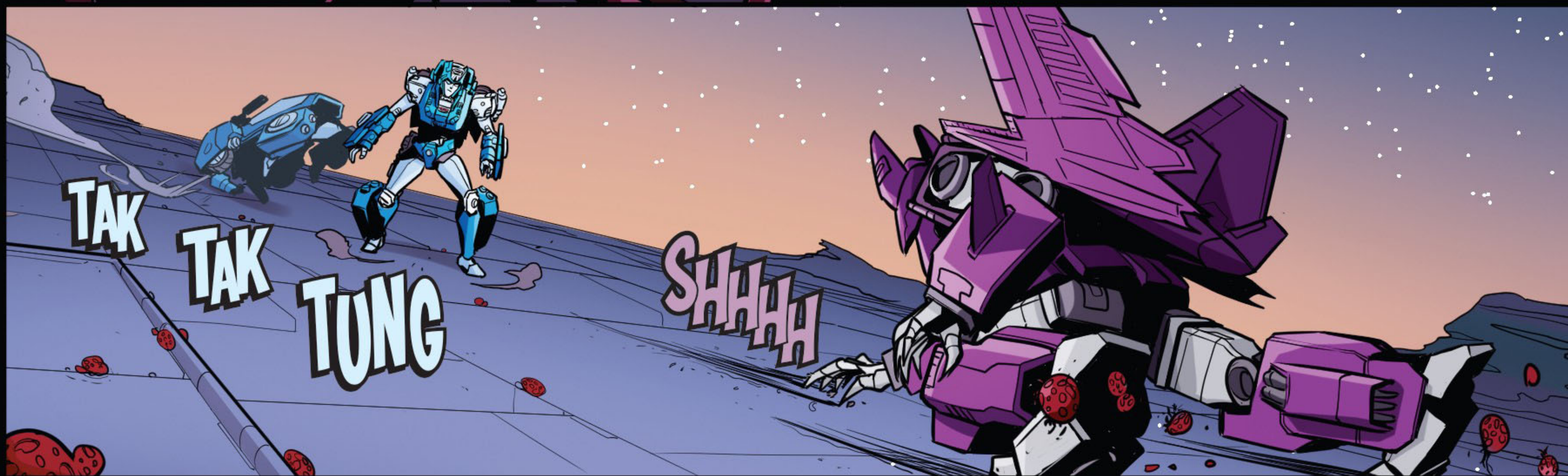
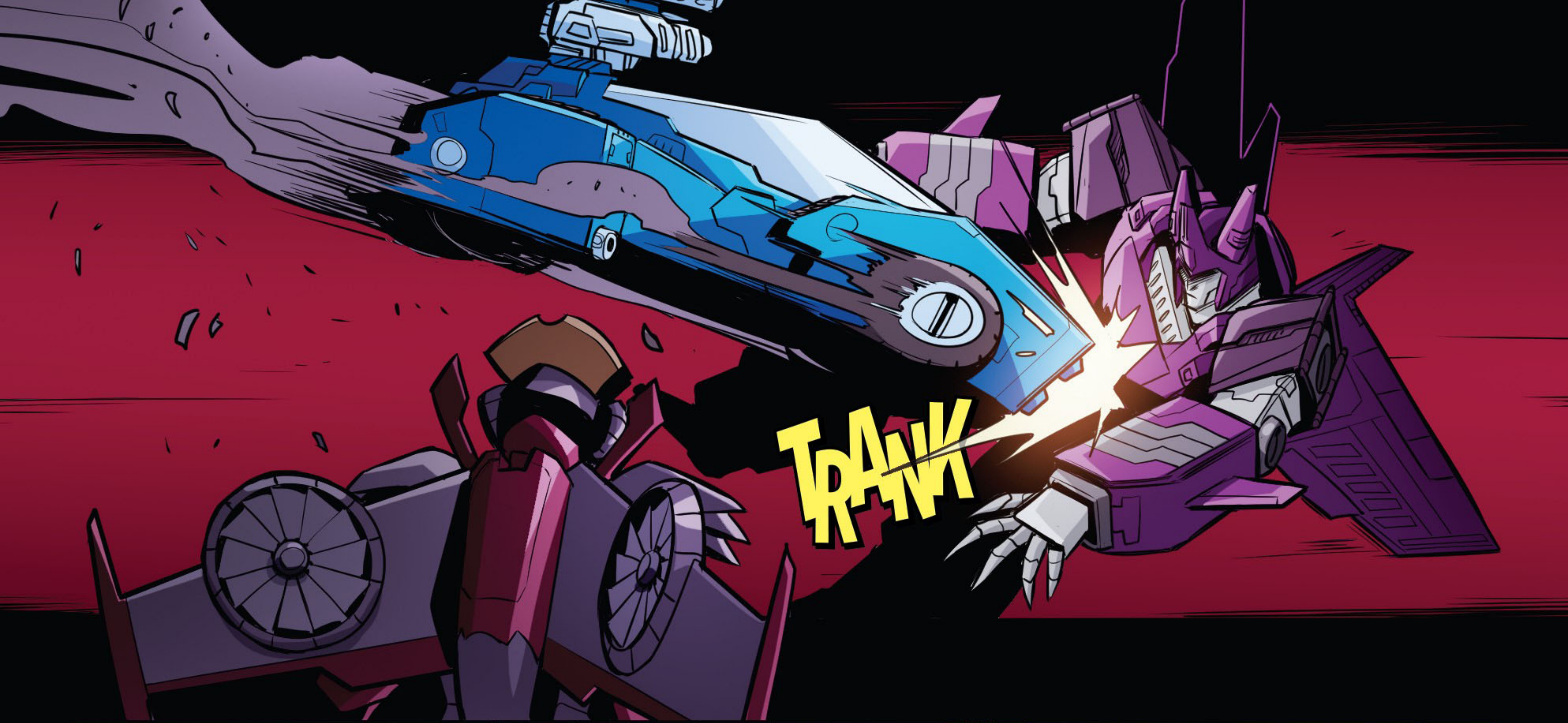
داره فرار
می کنه. متوقفش
کنید تا من برسم.

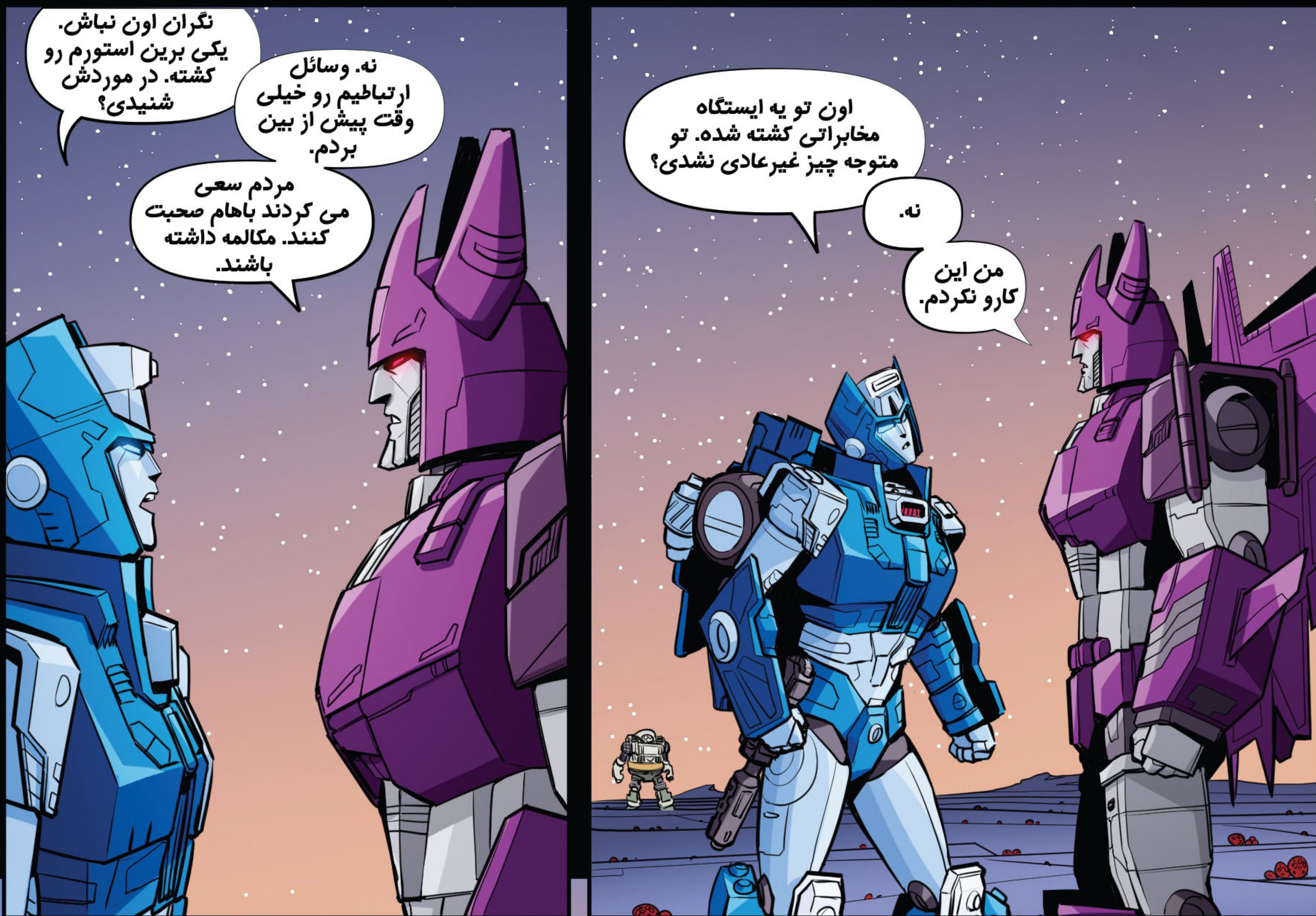
سایکلونوس
رو متوقف کنیم؟
در مورد نیروی کم
و سلاح کم حرف
زدی...

ما نمی جنگیم، و
تو از ما که از حالت
ایستا می خواهیم حرکت
کنیم، سریع تری.

برو!







اون تو یه ایستگاه
مخابراتی گشته شده. تو
متوجه چیز غیرعادی نشدی؟

نه.

من این
کارو نکردم.

نه. وسائل
ارتباطیم رو خیلی
وقت پیش از بین
بردیم.

مردم سعی
می کردند باهام صحبت
کنند. مکالمه داشته
باشند.

نگران اون نباش.
یکی برین استورم رو
گشته. در موردش
شنیدی؟



میکروپ های بیولومینسنس
دارند تو دهانه یادبود
می شن.

چشمه های
فلز تو صد دره
دارن بیدار
می شن.

من فکر نمی کنم
که تو این کارو کرده
باشی.

ولی تو اونجا
زندگی می کنی.
باید چیزهایی دیده
باشی.



چیزی نیست که
بهش علاقه داشته
باشیم سایکلونوس و
تو اینو می دونی.

اوه، راست
می گی؟



همین.

خوب، من دیدمش که
وارد ایستگاه شد. زمان
زیادی ازش نگذشته.

همین؟ تو باید
با ما به یاکون بیایی
تا در موردش درست
حرف بزنیم.

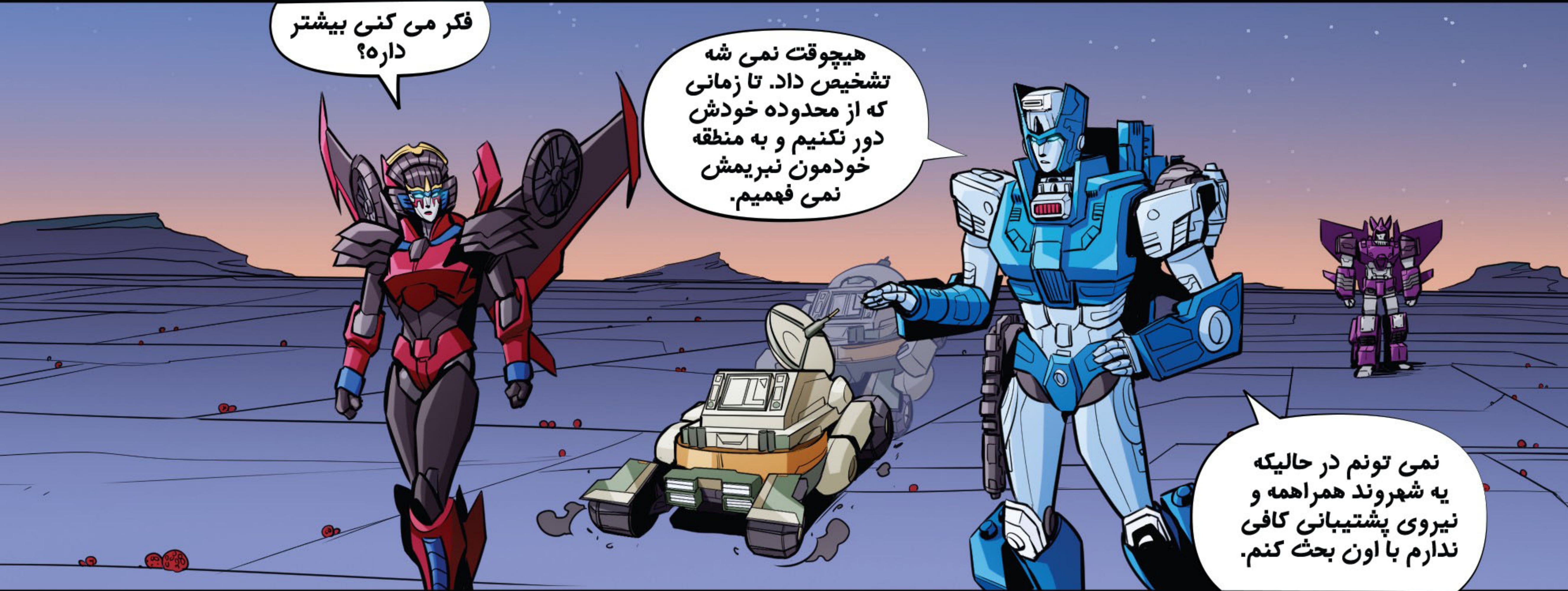


نمی شه. یه صافی انرگون قابل حمل دارم که کار می کنه.

اگه تخلیه اش نکنم، خراب می شه. و این تنها منبع انرگونی هست که اینجا دارم.

می شه و خواهد شد. زمان کمی داری تا تو برج جنوبی مرکز امنیتی باشی.

اگه این کارو نکنی با نیروی کافی برمی گردم تا اون جنگی رو که نمی خواهی راه بندازم.



فکر می کنی بیشتر داره؟

هیچوقت نمی شه تشخیص داد. تا زمانی که از محدوده خودش دور نکنیم و به منطقه خودمون نبریمش نمی فهمیم.

نمی تونم در حالیکه یه شهروند همراهم و نیروی پشتیبانی کافی ندارم با اون بحث کنم.



ما به شهر نمی ریم، مگه نه؟

نه.

باعث شرمندگیه. ما برین استورم رو دوست داشتیم.

باید بهشون کمک کنیم.



تو برین استورم رو دوست داشتی.

باید در مورد اون ربات دیگه ای که تو بخش مخابرات راه می رفت بهشون می گفت. همون ربات آبی رنگ.

شبیه آبی. شایدم نه. تشخیص رنگ شب ها سخته. وقتی فاصله هم زیاد باشه.

مهم نیست. اگه فکر می کنند که یه مرده مهمه، یادشون رفته دردسر واقعی چه شکلیه.



دنیا از دریچه چشم تو

قسمت چهارم

جالبه! تا حالا
این همه سایبرترون رو
تو به محل ندیدم.



حتماً دیدی.
جمعیتی که برای
اولین حضورت جمع شده
بودند بیشتر بود.

راست
می گی؟ مطمئن
نیستم متوجه
شده باشم.

فکر کنم اولین
باری که از هر خارج
شدم، با اطلاعات زیادی
روبرو شده باشم.

برای همه ما
همین اتفاق می افته.
جوان ترین سایبرترون
نبودن چه حسی
داره؟

بهش فکر نکردم.
فکر کنم خوشم بیاد.
شاید.



ساخته ها خیلی
نادر هستند. شاید تو هر
صد دوره یکی از اونها باشه.
آخرین بارش یادم
نیست.

بهانه ایه برای همه برای
جشن گرفتن، ولی به نظر
درست نمیداد.

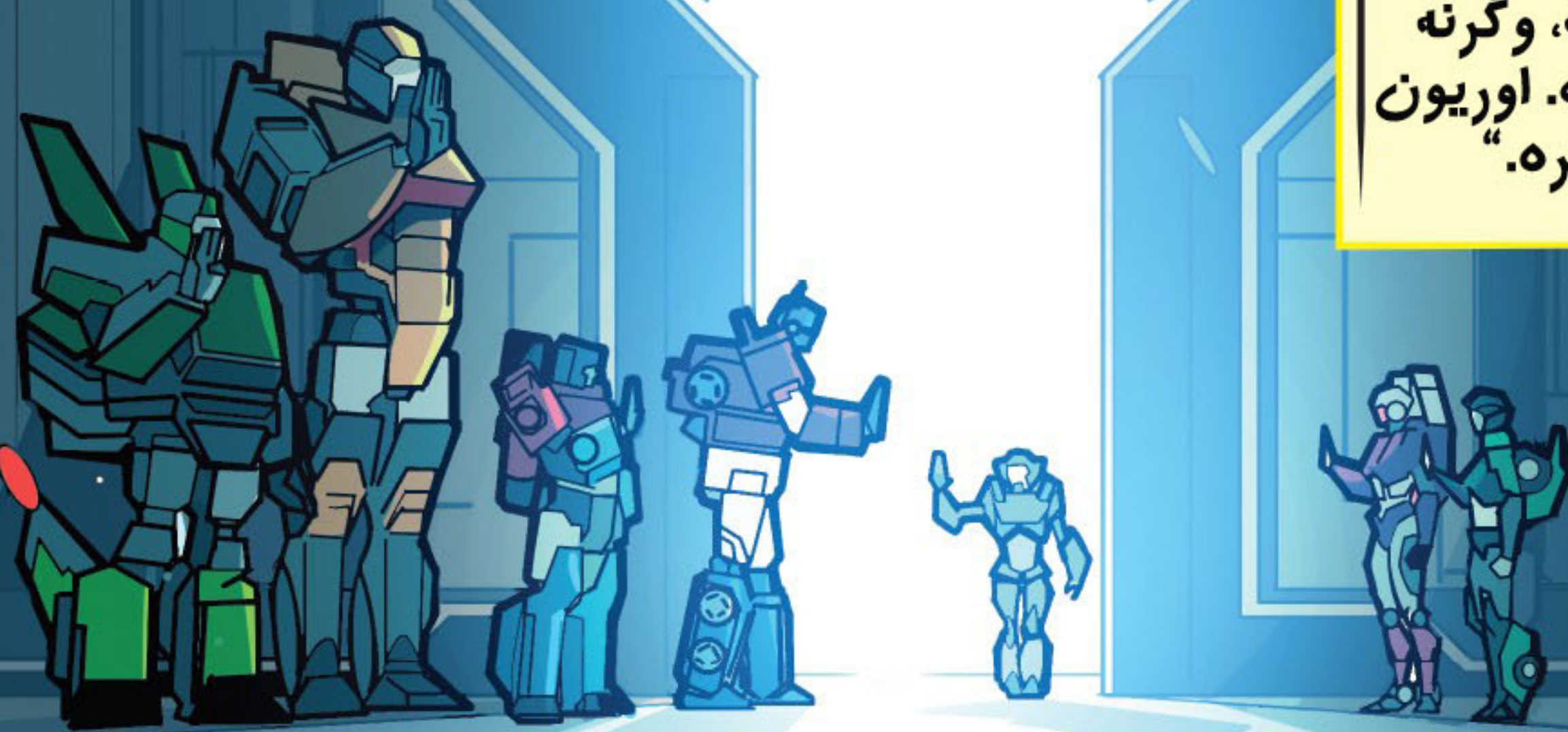
حداقل تو این
فاصله کم از مرگ
برین استورم.



ببین!
فکر کنم
می بینمش!

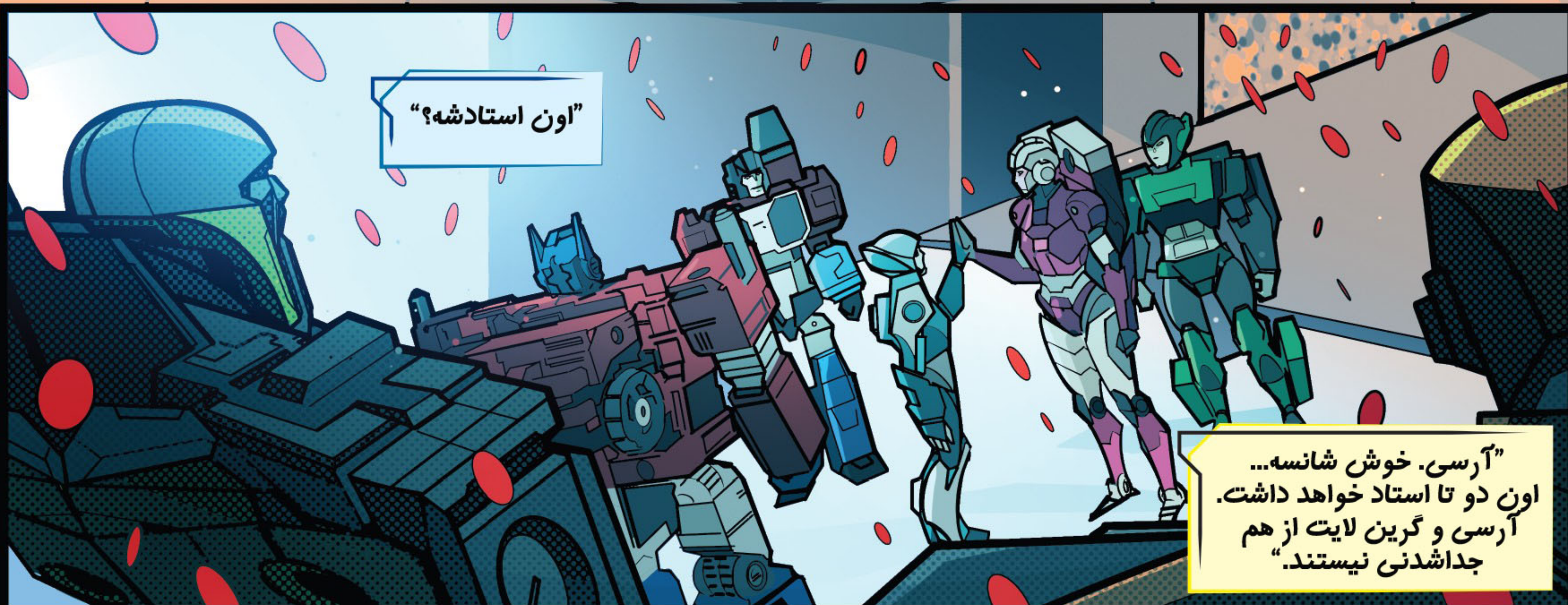
”داره با اوریون پکس
دیدار می کنه! این
بخش همیشه یادمه.“

”باید خوشحال باشی سنتیل
پرایم از سیاره بیرونه، و گر نه
بهت خوشامد می گفت. اوریون
تو این چیزها بهتره.“



”اون استادشه؟“

”آرسی. خوش شانسه...
اون دو تا استاد خواهد داشت.
آرسی و گرین لایت از هم
جداشدنی نیستند.“



استاد
اگه خوب
باشه، یکیش
کافیه.

راست
می گی!

تکنیک
فوق العاده ایه.

در مورد من
چی فکر می کردی،
وقتی برای اولین
بار منو دیدی؟



خیلی گیج کننده
بود. مطمئن نیستم
چقدر از اونو فهمیده
باشم.

من...
آآه... یادم
میاد فکر
کردم
خیلی زردی.



منظورم اینه...
که کاملاً زرد
هستی، مگه نه؟

در مجموع.





یا حسن طنز تو بالا
اومده یا کار زیادی تو
زمینه استاد شاگردی در
پیش داریم.

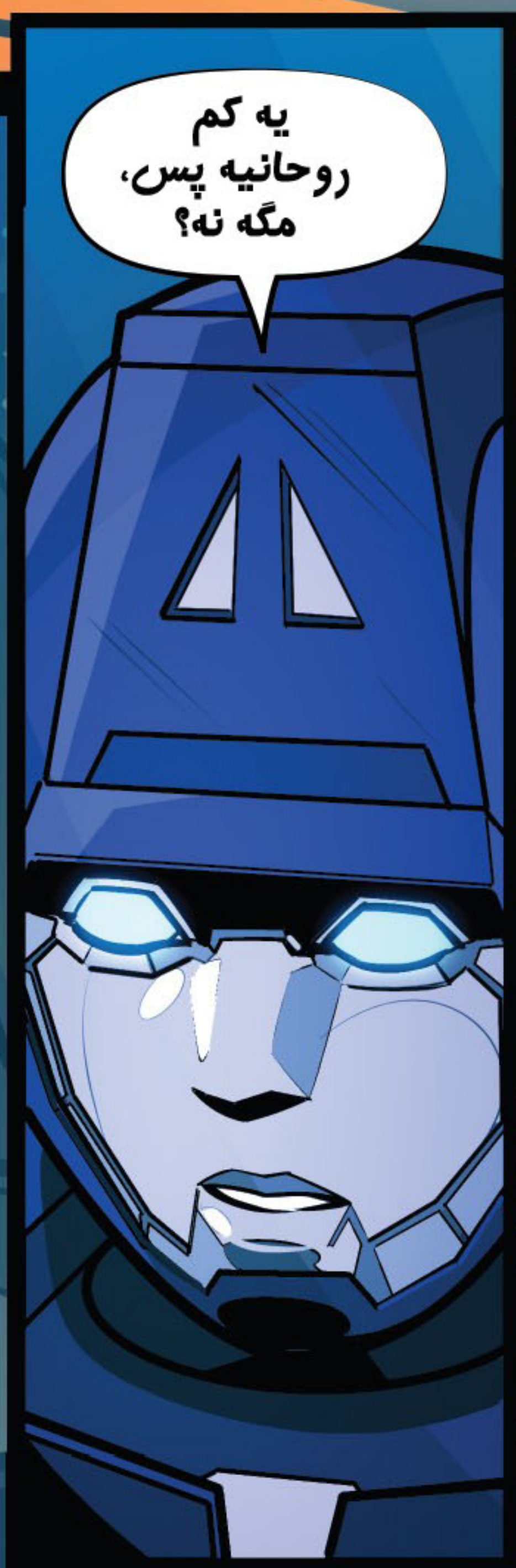
بیا بریم.
نمایش فعلاً
تمومه.



پرایموس
از نو ساخته شده!
هم جسمش هم
روحش!



بازگشت گراها.
اونها می تونند کاری
بکنند که تو یه تجربه روحانی
پات بلغزه و زمین بخوری.
و حتی بترسی.



یه کم
روحانیه پس،
مگه نه؟



منظورم اینه که
منم یه بارقه بودم
...و از چاه بارقه ها
بالا اومدم.

از هسته سایبرترون
پدیدار شدی.

آره، درسته.
همه ما اولش همین
بودیم.



ولی بنا به
تجربه من، هر کس
فکر می کنه جواب های
بیشتری داره، کنار اومدن
باهاش سخت تر
می شه.

تو باید از اون
نماد خجالت بکشی! اگه
تو نبود ی پرین استورم
احتمالاً زنده بود!

خیزش ربطی به
استنیکان ها نداره!

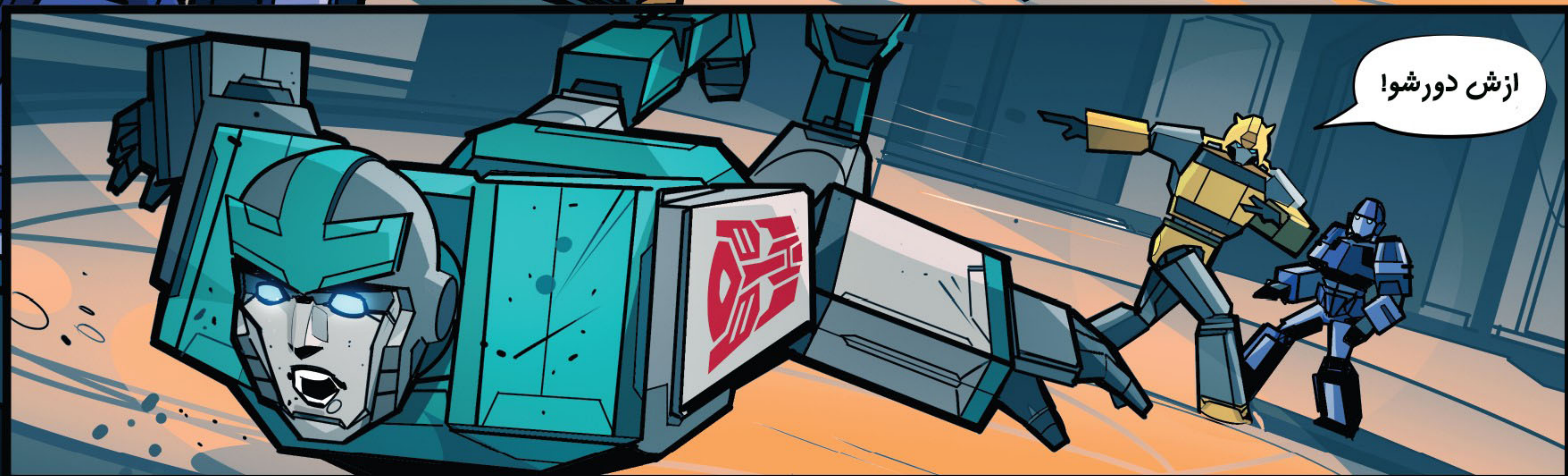
و تو حتی
نمی دونی کار
اونها بوده!



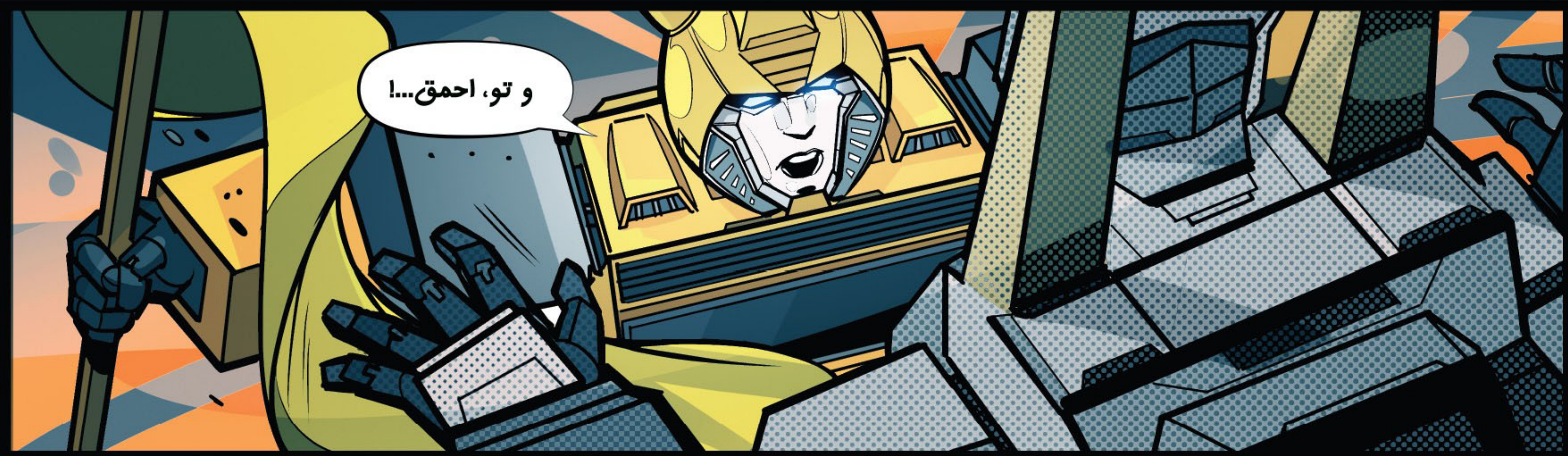
اوہ!

ہی! ہی!

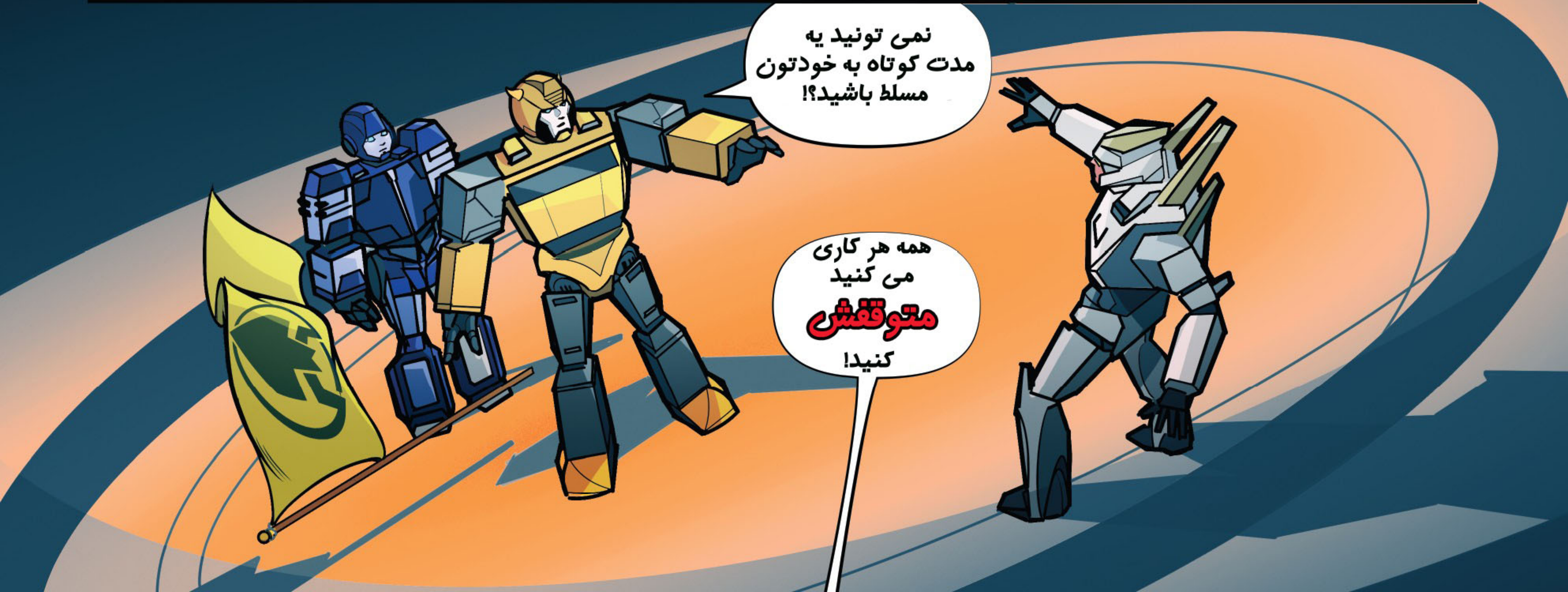
چی؟!



ازش دور شو!

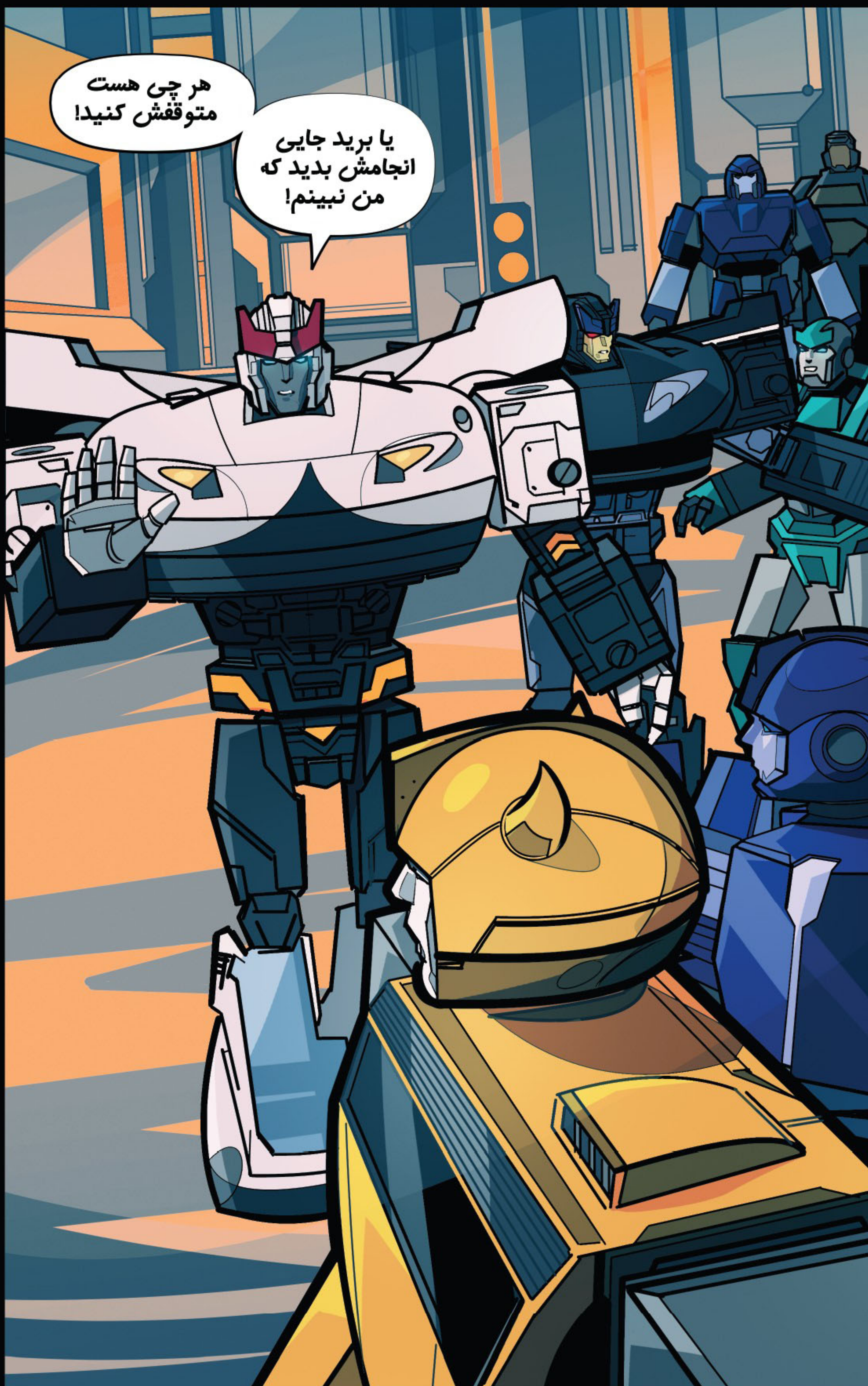


و تو، احمق...!



نمی تونید به مدت کوتاه به خودتون مسلط باشید؟!!

همه هر کاری می کنید متوقفش کنید!



هر چی هست
متوقفش کنید!

یا برید جایی
انجامش بدید که
من نبینم!



تو باید بهتر
بدونی بامبلی.

متأسفم پراول.
همه یه کم حساس
شدند.



تو حساس هستی؟ من قراره چند تا
زباله گرد عادی بگردم. سنگربندی
اینجا برای شکار شورشی هاست.

ولی به جاش
چیکار داریم
می کنیم؟

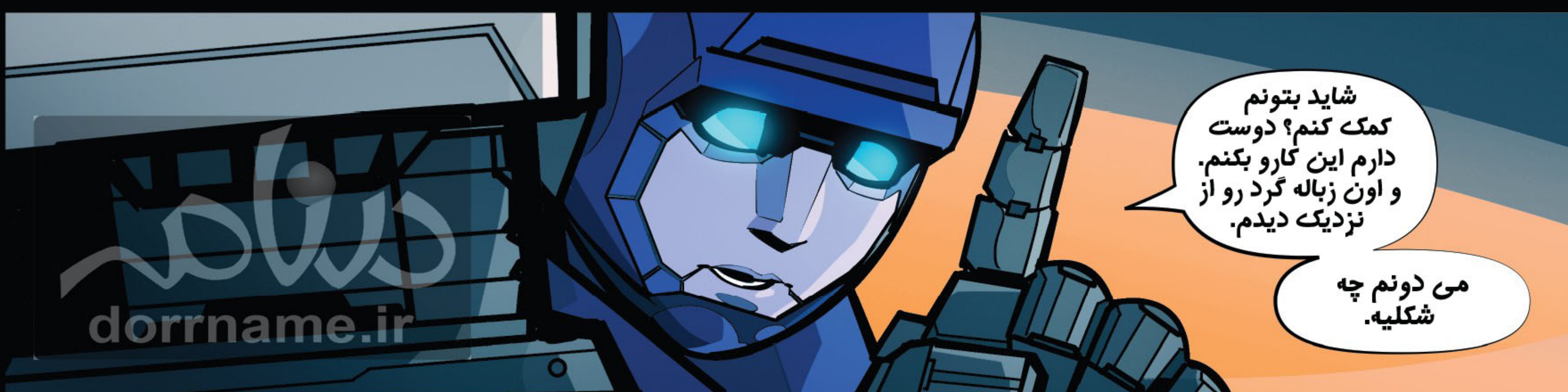
داریم یه جشن
تولد رو میزبانی
می کنیم. چون کسی
نمی دونه چه اتفاقی
قراره بیفته.



نیروهای امنیتی
قبل نصف تعدادی
بودند که باید می بودند.
الان یهویی یک دهم
میزان مورد نیاز
هستند.

می دونی اوضاع
چقدر خرابه؟ من
آرزو می کنم استار-
اسکریم اینجا بود.
تا این حد بده.

می تونست
یک بار هم که شده
مفید باشه.



شاید بتونم
کمک کنم؟ دوست
دارم این کارو بکنم.
و اون زباله گرد رو از
نزدیک دیدم.

می دونم چه
شکلیه.



نه.

راستش تشخیص این ربات ها تقریباً غیر ممکنه. مگر اینکه تفاوت های اعضای بردگی اونها رو دقیقاً بشناسید.



ولی من دوست دارم کمک کنم.



می تونی با قاطی نشدن به همه چیز کمک کنی. و دنبال دردسر بیشتر...

باشه، باشه. فهمید پراول.



حالا از جلوی چشمم دور کنید.



شهروندها.

ساکت. لذت گرفتن به مظنون به قتل برای به ربات تازه متولد شده چی می تونه باشه؟

یا برای به استاد؟



گوش کن ما باید
برگردیم به محل تو.
متأسفانه باید دوباره
ترکت کنم.

من نمی خواستم
همچین استادی باشم.
ولی...می دونی که.



می فهمم. کارهای
دیگه ای داری که
انجام بدی.

نه کاری که مایل
به انجامش باشم.

بعضی از
ماها امشب قراره
با برین استورم وداع
کنیم. باید اونجا
باشم.



برای همین به مجلس
سنا دعوت شدی؟ برای
برنامه ریزی؟ فکر کردم باید
مهم باشه.

نه. نگران اون
نباش. چیز مهمی
نیست.



ولی شاید امشب
مهم باشه...به نوع
خودش.

همچین
حسی دارم.

تمام ماهایی که می خواهیم
اونجا باشیم، باید خودمونو
برای این کار آماده کنیم.

”پرایموس به سایبرترون
تبدیل شد.



”سایبرترون به ما.



”و ما، اگه خوش شانس
باشیم...



”...اگه آتشکده پلاسما
اونجا باشه تا هر چه باقی
مونده در برگیره...”





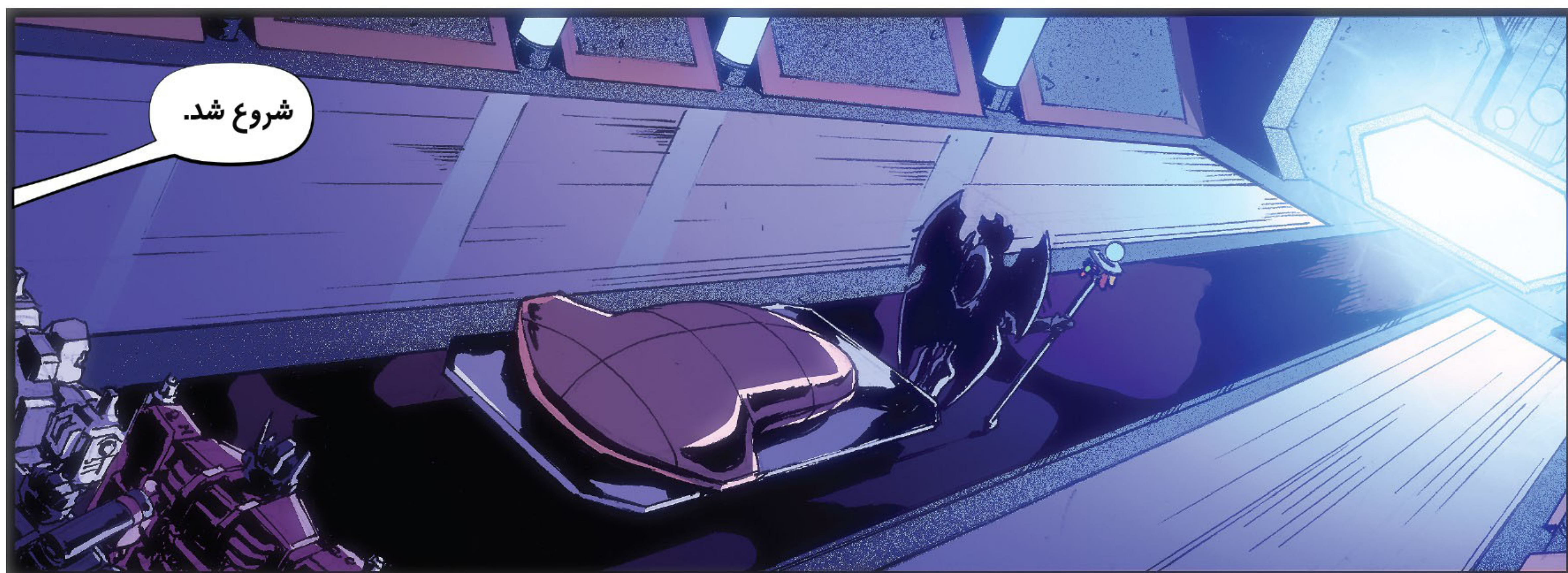
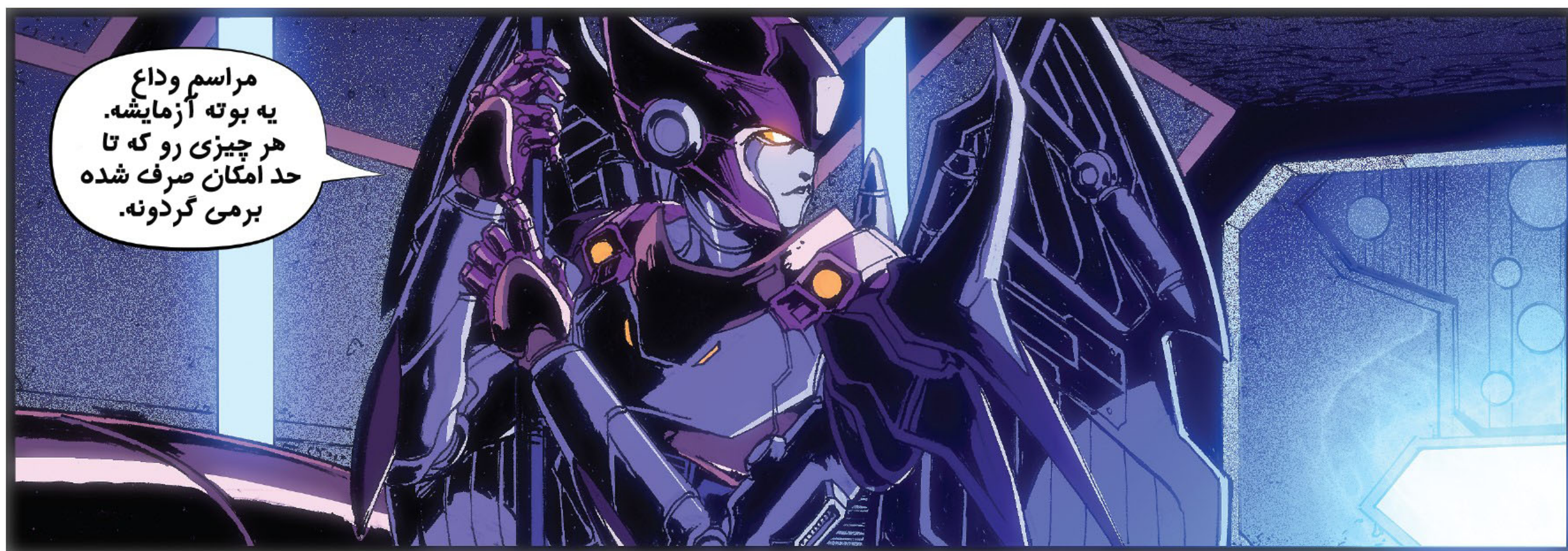
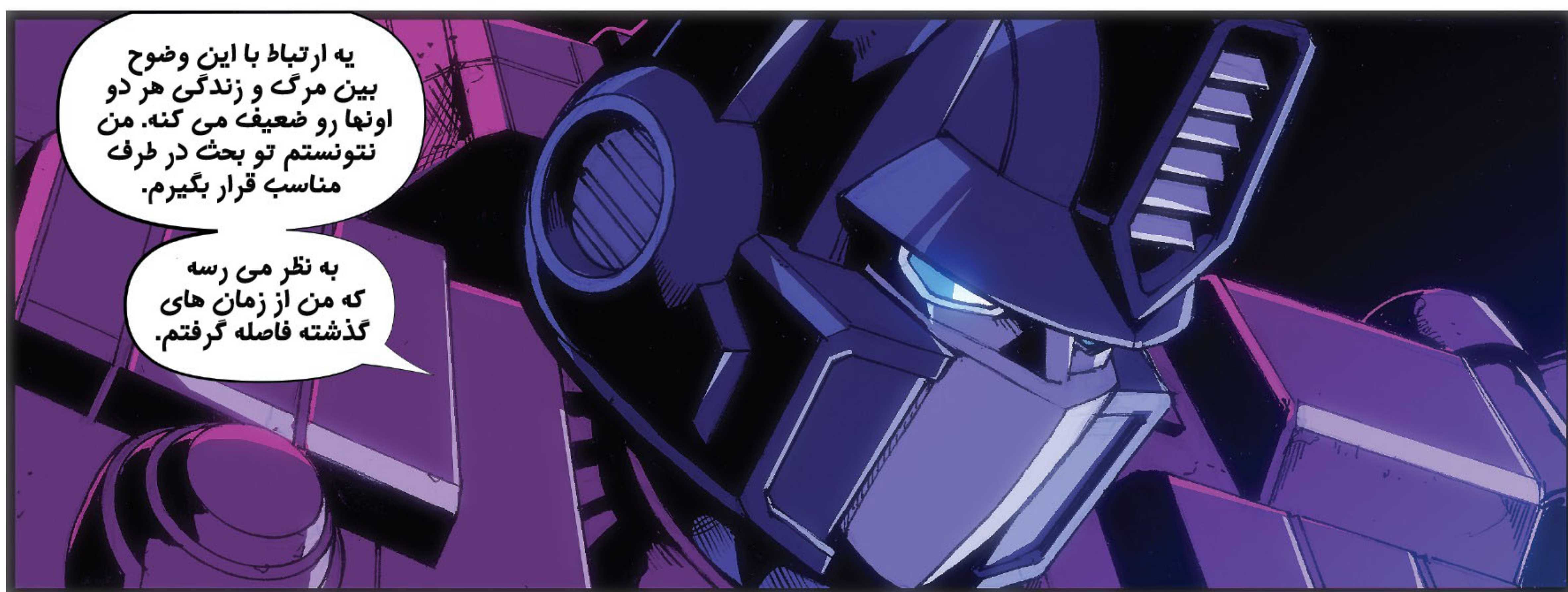
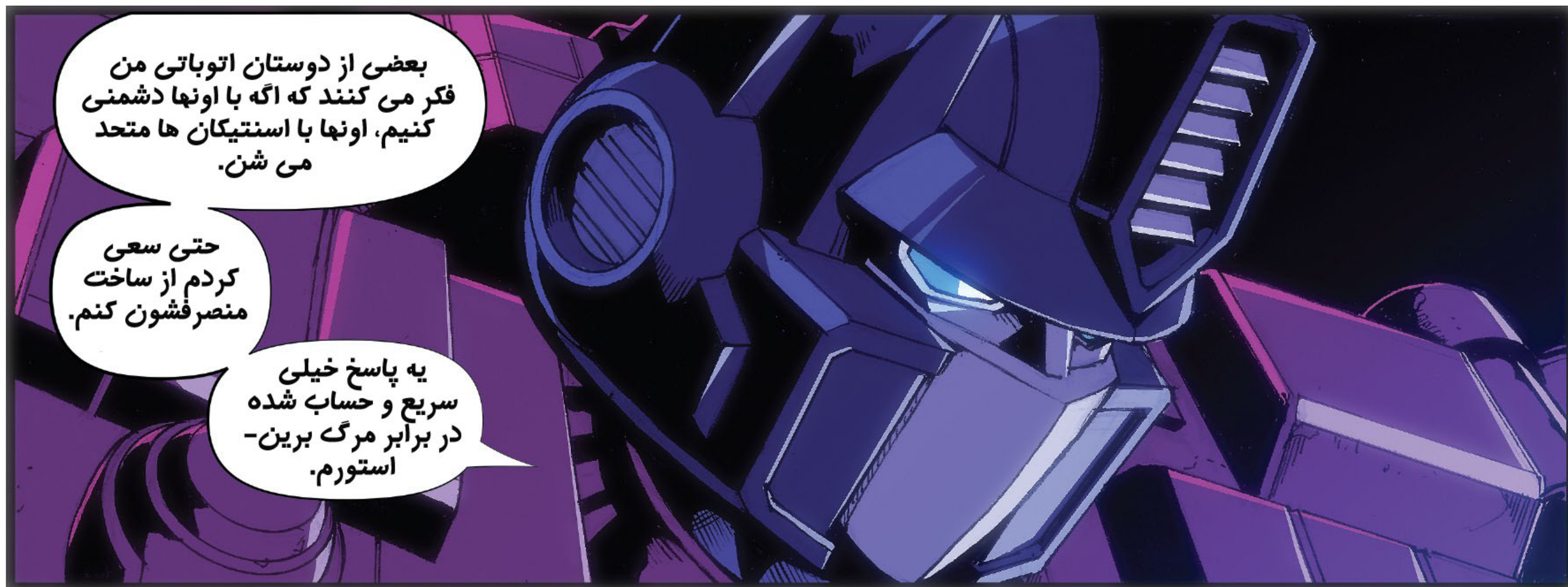
...به جایی
برمی گردیم که
از اونجا اومدیم و یه بار
دیگه به سایبرترون
می پیوندیم.



اگه برین استورم می دونست
یه بازگشت گرا صحبت خواهد
کرد، سگته نمی کرد.

به نظر من همشونو
باید به دورترین مستعمره ها
فرستاده بشن.

می دونم. تلاش کردم
از این مسائل دور باشم، ولی
بازگشت گراها مصمم
هستند.





اونها ممکنه چند تا از
ایده های اسنتیکان ها
رو دزدیده باشند، لی
شدت پاسخ اونها به
ناسازگاری آتوبات ها
روش ما نیست.



معلوم نیست
ترماگکس چه فکری
می کنه اگه ببینه با ایده هاش
چکار کردیم، چه فکری
می کنه؟

می خواهی خشونت
خیزش رو محکوم
کنم اوریون؟ همین
کارو خواهیم کرد.

برای هزارمین
بار.



ولی، شاید ترماگکس
بیانیه عمومی صادر
کنه.

شاید اگه
خشونت رو محکوم
کنه.

ستیزه جویی.
آشوب طلبی.

انتخابش برای رفتن به انزوا
و سکوت اختیار کردن...از
روی باور بود، نه به رویاپردازی
گذرا.



شاید می ترسه
ببینه اونهایی که
نهضتش رو به ارث
بردند، باهاش چیکار
کردند.

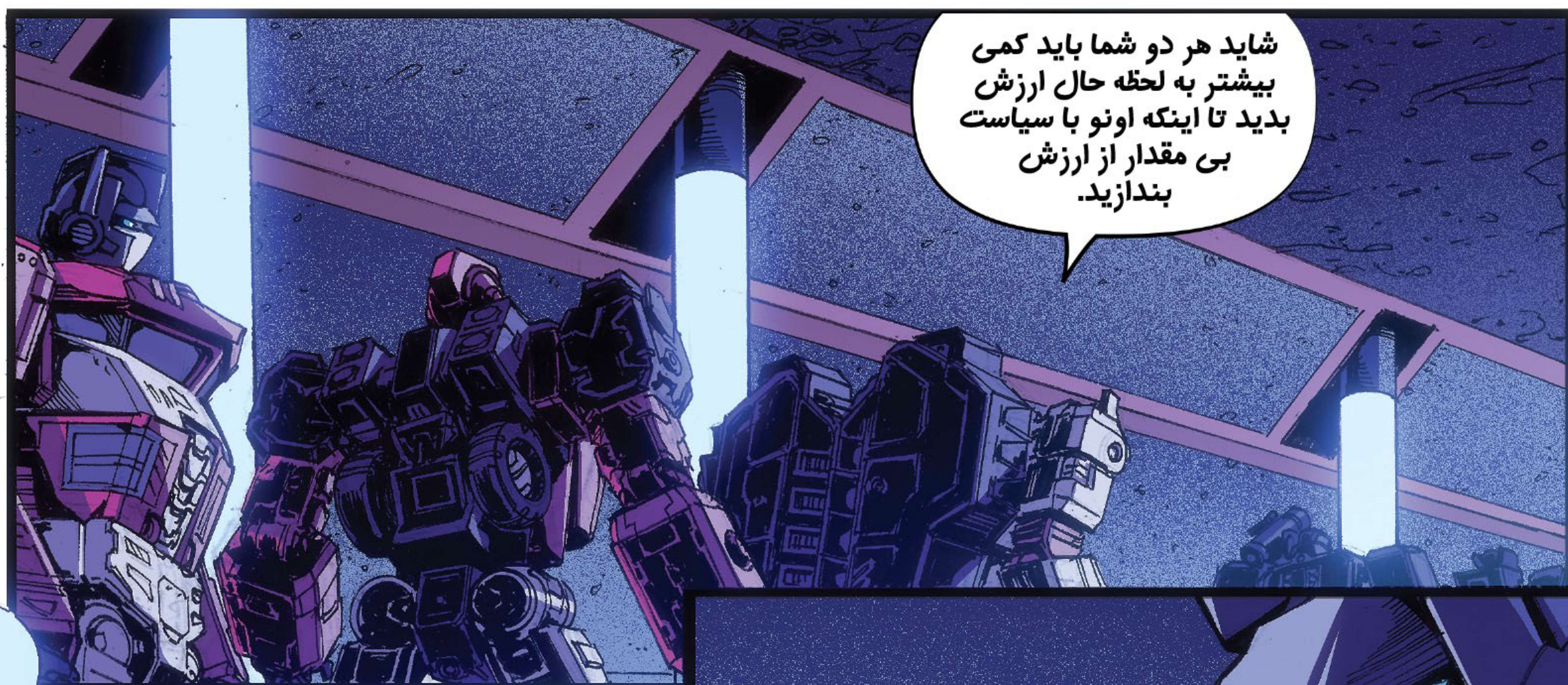


کارکرد و اقدام
امنیتی سنا رو
خیلی قدرتمند
پیش بینی می کنی
آیرون هاید.

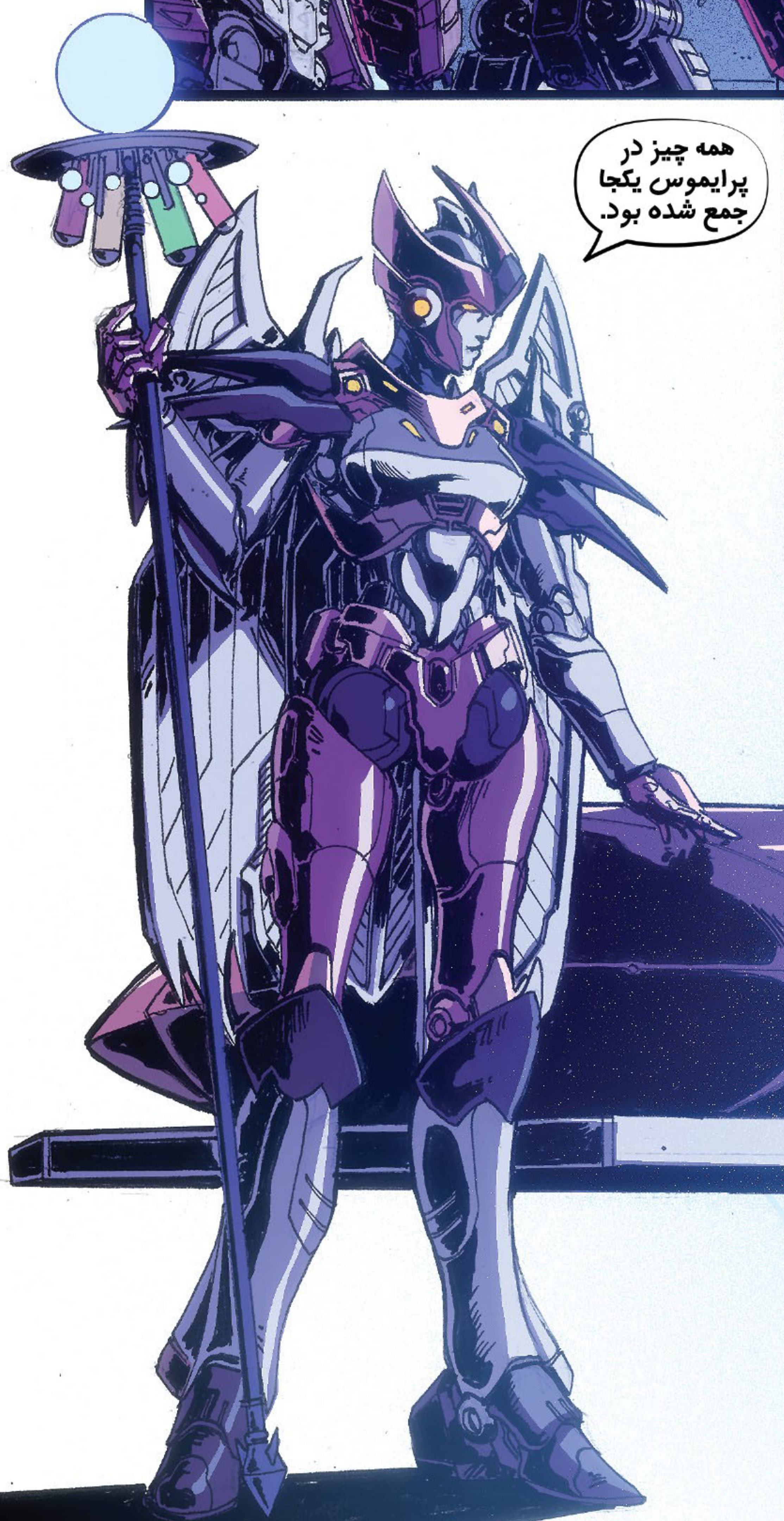
بعضی از اونها
درجاتی از آشنایی
رو در اختیار
قرار می دن.

پیشنهاد
می کنم اون مجوز
رو تست نکنی.

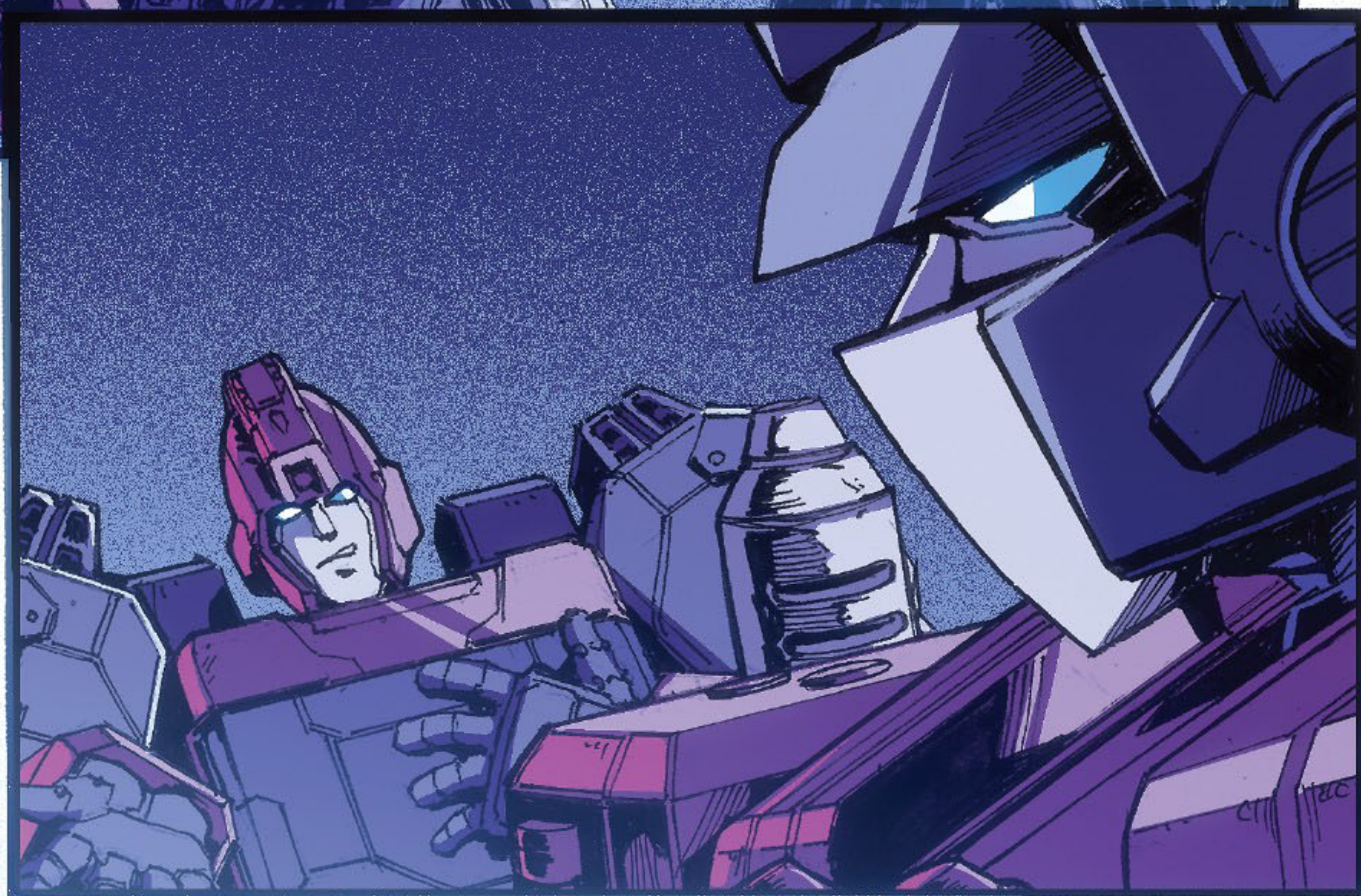
و حداقل تظاهر به کمی
بیطرفی کنی.

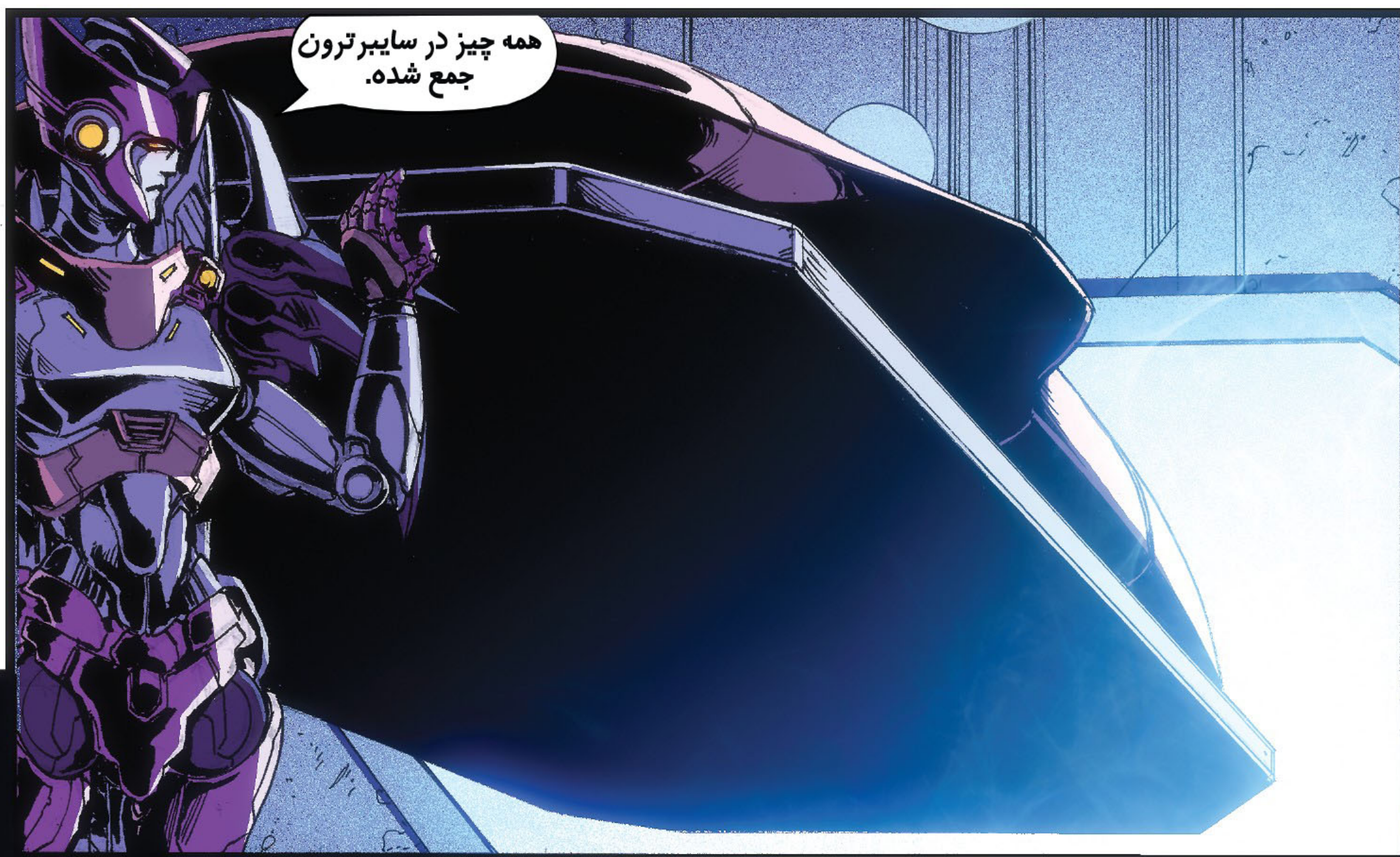


شاید هر دو شما باید کمی
بیشتر به لحظه حال ارزش
بدید تا اینکه اونو با سیاست
بی مقدار از ارزش
بندازید.



همه چیز در
پرایموس یکجا
جمع شده بود.





همه چیز در سایبرترون
جمع شده.



همه
یکیست.

ادامه دارد!





>ART BY UMI MIYAO





A BOLD NEW ERA

RUCKLEY • PITRE-DUROCHER • HERNANDEZ • GRIFFITH

TRANSFORMERS

20 YEARS OF
IDW
ISSUE
4
COVER A

دورنام

dorname.ir

مربع کمیک های فارسی